

بازشناسی قالی کرمان

در دوره‌ی صفویه

هانیه نیکخواه* سارا رضوانی** مه‌رمان هوشیار***

مقدمه:

امروزه هیچ‌گونه نمونه قطعی از فرش‌های ایران در سده نهم ه.ق/ پانزدهم م. به جای نمانده است ولی آنچه مسلم است؛ فرش‌های گره‌دار ظریف دوره صفویه خلق‌الساعه به وجود نیامده‌اند و به پیشینه‌ای نه چندان کوتاه مدت نیاز دارند. با این حال، با توجه به آثار باقی‌مانده و نیز گفته‌های تاریخ‌نگاران و جهانگردان چنین به نظر می‌رسد که در سیر تاریخ فرش‌بافی ایران، سده‌های دهم و یازدهم ه.ق/ شانزدهم و هفدهم م، زمان شکوفایی فرش ایران باشد. در دوره صفویه هنرهای گوناگون به حد کمال و درخشش خود رسیدند و طرح‌های قالی هم از خلاقیت و نبوغ هنرمندان این عصر بارور شدند. کیفیت بسیار بالای فرش‌های دوره صفویه، مؤید همان توصیفاتی است که در سفرنامه‌های جهانگردان آورده شده است. صفویان، موقعیت فرش‌بافی در ایران را به یک صنعت ملی ارتقا دادند. ایجاد کارگاه‌های مستقل فرش‌بافی و درباری، صادرات گسترده فرش، به کارگیری مواد اولیه، انواع بافت، طرح‌ها و رنگ‌های نوین از رخدادهای نوظهور صنعت فرش در این دوران است. نفوذ طراحان شاهی و درباری صفوی در بافت فرش مسجل شده است. در دوره صفویه شیوه‌ای واحد در تمامی هنرها اعم از کاشی‌کاری، نگارگری، تذهیب و طراحی فرش لحاظ گردید. یک قانون کلی بر طراحی سنتی و آرایه هنرهای ایران حاکم شد و در نتیجه نقش‌مایه‌های یکسانی را بر آثار هنری نشاناد. بدین ترتیب، نگارگران

چکیده

نامشخص‌بودن پیشینه فرش کرمان و نظرات متناقض صاحب‌نظران در مورد انتساب برخی قالی‌های تاریخی به کرمان، انگیزه بازشناسی و معرفی این‌گونه قالی‌ها برای انجام این پژوهش گردید.

هدف در این نوشتار، جست‌وجوی فرش‌های صفوی کرمان و یافتن پاسخی برای پرسش‌هایی از این دست است که کدام گروه از فرش‌های بازممانده عصر صفوی، بافت کرمان هستند؟ آیا فرش‌های منتسب به کرمان، حاصل تلاش هنرمندان این شهر بوده‌اند؟ وضعیت فرش کرمان در دوره صفویه چگونه بوده است؟ آیا می‌توان وجه مشترکی بین نقوش قالی‌های این دوران و نقوش به کار رفته بر روی سایر هنرهای رایج در کرمان یافت؟ بررسی تطبیقی این‌گونه فرش‌ها با دیگر آثار هنری کرمان در این زمان و نیز بررسی مستندات و منابع مکتوب تاریخی می‌تواند راهگشایی برای یافتن یافته‌های اصیل کرمان در دوره صفویه باشد. به این ترتیب، به نظر می‌رسد در دوره صفوی فرش‌های باغی، گلدانی و سانگوشکو در کرمان بافته شده‌اند. روش تحقیق در این پژوهش تاریخی، از نوع کیفی بوده و روش تجزیه و تحلیل اطلاعات، توصیفی-تحلیلی با رهیافتی تطبیقی می‌باشد.

واژگان کلیدی: قالی کرمان، دوره صفویه، طرح، نقش‌مایه.

* دانشجوی دکتری رشته پژوهش هنر دانشگاه تربیت مدرس تهران و عضو هیأت علمی دانشگاه شهید باهنر کرمان.

** دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه سوره تهران

*** عضو هیأت علمی دانشگاه سوره، تهران

این عصر در عرصه‌های گوناگونی قلم می‌زدند. در واقع، نگارگر هم نقشه فرش طراحی و هم نقشه کاشی تهیه می‌کرد. از آنجاکه، در مورد مکان بافت برخی از این فرش‌ها تردید وجود دارد؛ ارتباط بین هنرهای مختلف در این دوره و بررسی نقوش مشترک نگارگری، کاشی‌کاری و فرش؛ گاه می‌تواند مکان تولید اثر را مشخص سازد. آرتور پوپ نیز به این مسأله اشاره دارد که شباهت بین طرح فرش‌ها و تزیینات معماری در تعیین تاریخ و محل بافت آنها می‌تواند مفید باشد (یارشاطر، ۱۳۸۴، ۱۰).

قالی کرمان و نقوش آن دارای پیشینه‌ای تاریخی است که پس از گذراندن فراز و فرودهای پی در پی، رو به فراموشی است. در طی دوره‌های تاریخی گوناگون؛ بر اساس شرایط اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، تقاضای بازارهای داخلی و خارجی و باورها در این نقوش تغییراتی رخ داده است. این دگرگونی‌ها، تنوع بسیاری در نقوش فرش کرمان ایجاد کرده که گاه افراد را برای بازشناسی و یافتن خاستگاه آنها دچار سردرگمی می‌کند. نقوش قالی‌های صفویه الهام‌بخش هنرمندان این صنعت در دوره‌های تاریخی بعد از آن نیز بوده است و نشان آن را می‌توان در عصر بازگشت به دوره‌ی کلاسیک در قالی کرمان (۱۳۳۸-۱۳۴۷ ه.ق.) مشاهده کرد.

پیرامون فرش‌های صفوی کرمان نظریات گوناگونی از سوی پژوهشگران ابراز شده است و در مجموع بر سر انتساب قطعی آنها به کرمان اتفاق نظری وجود ندارد. از اسناد به‌دست آمده نیز می‌توان چنین استنباط کرد که فرش کرمان، در طی دوران طولانی به چنین معروفیت و زیبایی دست یافته، تا بتواند در این دوران این چنین شکوفا باشد. با توجه به این پیشینه، در نوشتار حاضر، نخست به واکاوی فرش ایران و سپس کرمان در دوره صفویان پرداخته و در ادامه اسناد و مدارکی که نشان‌دهنده وجود قالی‌بافی و رونق آن در کرمان عصر صفوی بوده، بیان می‌شود. هم‌چنین، در این مقاله سعی در یافتن نشانه‌هایی از نقوش قالی کرمان در هنرهای پارچه بافی، سکه و نگارگری این دوران شده است تا بر اساس نظر برخی صاحب نظران و نیز نقوش مشابه با دیگر آثار هنری در این دوره، برخی قالی‌ها را به کرمان نسبت می‌دهیم. بنیاد بررسی مقاله حاضر بر پیش فرض یافت شده از سوی دیگر پژوهشگران مبنی بر وجود کارگاه‌های درباری و رونق آنها در کرمان نهاده شده است.

قالی ایران در دوره‌ی صفوی

نقطه اوج طراحی و بافت فرش ایران، تحت حمایت صفویان به سده‌های دهم تا دوازدهم ه.ق. / شانزدهم تا هجدهم م. می‌رسد. این امر، نتیجه فراهم آمدن استثنایی عوامل بسیاری چون بهبود وضع اقتصادی، تحت حمایت دربار قرارگرفتن، نفوذ طراحان دربار در تمام سطوح خلق آثار هنری، دسترسی فراوان به مواد اولیه، پذیرش فرش به عنوان کالای تجاری، به ویژه در بازارهای خارجی می‌باشد (یارشاطر، ۱۳۸۴، ۷۵). در واقع، تلاش هنرمندان و تعامل استادان رشته‌های گوناگون هنری با یکدیگر باعث شد که قالی‌بافی در این زمان، مقامی ویژه پیدا کند. قالی‌هایی که امروزه به نام فرش‌های نفیس ایران در موزه‌ها و مجموعه‌های خصوصی جهان نگهداری می‌شود،

نشان از مهارت استادان در طرح و بافت فرش داشته و ثمره‌ی تلاش و همکاری ارزنده طراحان، رنگرزان و بافندگان دوره صفویه است (آذریاد، ۱۳۷۲، ۱۴). در زمان صفویه فرش‌بافی به یک صنعت ملی تبدیل شد و برای اولین بار کارگاه‌های مستقل فرش‌بافی در برخی مراکز عمده شهری ایجاد گردید (یارشاطر، ۱۳۸۴، ۱۱). در این کارگاه‌ها برای نیازهای دربار، خانه‌ی اشراف و صاحب منصبان فرش بافته می‌شد و گاه به عنوان هدیه به پادشاهان و امیران کشورهای دیگر نیز اعطا می‌گردید (آذریاد، ۱۳۷۲، ۱۵). در زمان سلطنت شاه تهماسب (۸۴ - ۹۳۰ ه.ق. / ۷۶ - ۱۵۲۴ م)، قالی‌بافی پیشرفت بسیار نمود و فرش ایران با پشتیبانی وی به اوج هنری خود دست یافت. او علاقه وافری به فرش داشت و آن را تا مقام یک هنر ارتقا داد (ژوله، ۱۳۸۱، ۱۷). "نصیر الدین محمد همایون" پادشاه هند که چندی به دربار شاه تهماسب پناهنده شده بود، در بازگشت، عده‌ای از هنرمندان و بافندگان قالی را نیز با خود به هندوستان برد (آذریاد، ۱۳۷۲، ۱۵). فرش‌های اهدایی به پادشاهان عثمانی در سال‌های ۹۶۵ تا ۹۸۹ ه.ق. / ۱۵۵۸ تا ۱۵۸۱ م. در اسناد و مدارک، ثبت یا ترسیم شده است (یارشاطر، ۱۳۸۴، ۷۶).

دوران سلطنت شاه عباس اول (۹۹۵ ه.ق. / ۱۵۸۷ م) اوج تمدن و فرهنگ و نیز قدرت سیاسی صفوی بود، که نمونه‌هایی از بزرگترین دستاوردهای آن را در زمینه هنری می‌توان در شکوه و زیبایی فرش‌های این عصر مشاهده کرد (باسورث، ۱۳۸۱، ۵۳۲). در زمان شاه عباس، شکوفایی فرش ایران چشمگیرتر شد. هنرمندان نگارگر و تذهیب‌کار برای طراحی نقش‌ها، چه برای قالی، و چه برای تزیینات معماری به کار پرداختند. آرتور پوپ به همگونی و همکاری نزدیک میان هنرمندان دیگر رشته‌ها و طراحان قالی در عصر صفویه اشاره دارد (ژوله، ۱۳۸۱، ۱۷). دو طرح و نقشه اساسی فرش در این دوره عبارتند از طرح ترنج و نگاره‌های تصویری که مستقیماً از هنر کتاب‌آرایی اخذ شده و در نقاشخانه شاهی به آن پرداخته می‌شده است. نفوذ طراحان شاهی در روند تولید فرش این دوره مسجل شده است. منابع مکتوب و گزارش جهانگردان (۱) بر وجود کارگاه‌های فرش‌بافی صفویه در شهرهای بزرگ گواهی می‌دهند (یارشاطر، ۱۳۸۴، ۷۷ و ۱۳). در سفرنامه‌های تاورنیه و شاردن و سایر کسانی که در آن زمان از ایران بازدید کرده‌اند به پیشرفت قالی‌بافی و مراکز متعدد بافت فرش در شهرهای اصفهان، کاشان، جوشقان، تبریز و کرمان اشارات فراوان شده است (نصیری، ۱۳۷۴، ۲۰). در این کارگاه‌ها، هم فرش‌های تجملی برای کاخ‌های صفوی، دربار و مساجد و هم برای هدایا به فرمانروایان دیگر کشورها بافته و درخواست سفارش از طرف بزرگان و متمولان هم پذیرفته می‌شد (یارشاطر، ۱۳۸۴، ۱۳). در اینجا این پرسش مطرح می‌گردد که سهم کرمان و هنرمندان آن در این کارستان چه بوده است؟

قالی کرمان در دوره‌ی صفویه به روایت اسناد مکتوب

قالی‌بافی در کرمان سابقه‌ای بس طولانی دارد. بنا به نظر آقای ژوله: «کرمان در دوران‌های گذشته معروفیت زیادی در زمینه تولید پارچه داشته است. به‌ویژه در دوران شاه عباس صفوی. همین امر

باعث شده تا عده‌ای به این باور برسند که قالی کرمان از پی صنعت نساجی، بویژه شالبافی تولد یافته و به این ترتیب، این اندیشه را استوار می‌سازند که سابقه قالی‌بافی کرمان حداکثر چهار قرن می‌باشد. اما این عقیده توهمی بیش نیست. اگر چه شاید قدیمی‌ترین فرش‌های کرمان قدمتی بیش از چهار صد سال نداشته باشند، اما بررسی طرح‌ها و ویژگی‌های بافت قالی کرمان سابقه‌ای بیش از یک هزار سال را برای آن رقم می‌زند... برای نمونه می‌دانیم که بسیاری از فرش‌های کهن ایران با شیوه‌ی گره «یو» یا «وی» بافته می‌شدند و آثار آن را می‌توان در فرش‌های قدیم مصر که متأثر از فرش‌های ایرانی است، به‌وضوح مشاهده کرد. از طرف دیگر شیوه‌ی استفاده از سه پود بین هر دو رج بافت، ویژگی‌های قدیمی قالی‌های کهنی است که بازرترین آن قالی‌پازیریک است و ما این ویژگی را امروز در قالی‌های کرمان می‌بینیم. افزون بر این، هنوز هم می‌توان قدیمی‌ترین نوع دارهای قالی‌بافی را که بقایایی از اولین دارهای عمودی در بافت قالی‌گره‌دار می‌باشند؛ در برخی مناطق کرمان دید (ژوله، ۱۳۸۱، ۱۶۳). با این اوصاف، منحنی پیشرفت قالی‌بافی کرمان نقطه اوج خود را در زمان صفویه ثبت کرده است و بنا به گفته تاریخ نگاران، کرمان در دوره‌ی صفویه از کانون‌های مهم قالی‌بافی بوده و حتی به نظر می‌رسد که برخی از نخستین فرش‌های دوره صفویه در کرمان بافته شده است Bennett, 2000, 51-52. قطعه‌ای از یک تخته فرش بافته شده در این شهر که در موزه آستان قدس (مشهد) نگهداری می‌شود، گواه بر سابقه‌ی دست‌کم پانصد سال بافندگی فرش‌های گره‌دار شهری در کرمان است (نصیری، ۱۳۷۴، ۱۸۱).

در این بخش به اسنادی از تاریخ فرش کرمان که نشان از رواج و پیشرفت صنعت قالی‌بافی این شهر در عصر صفویه دارد، اشاره می‌گردد. در هدیه‌ای از شاه تهماسب به سلطان بایزید (فرزند پناهنده سلطان سلیمان عثمانی) به سال ۹۶۱ ه.ق/ ۱۵۵۴م، فرش‌هایی از کرمان و جوشقان که بر آنها زری‌بافی هم انجام شده بود، وجود داشته است. در سال ۱۰۰۷ ه.ق/ ۱۵۹۹م. فرش‌های بافت کرمان و جوشقان توسط شاه عباس اول به حرم امام رضا (ع) اهدا گردید. در منابع مکتوب دوره شاه عباس، از کرمان به عنوان محلی که فرش‌های ظریف در آن بافته می‌شود؛ یاد شده است. نه تنها در منابع فارسی بلکه در منابع هندی مثل "اکبر نامه" نیز با چنین اشاراتی مواجه می‌شویم. فرش‌هایی با نقش گل‌های شاه عباسی و انواع برگ‌های داسی شکل به هند صادر می‌شد که تأثیر قابل ملاحظه‌ای بر بافنده‌های مغولی هند گذاشتند Bennett, 2000, 64. در پایان سده دهم ه.ق/ شانزدهم م. خواجه ابوالفضل علامی، وزیر و زندگینامه‌نویس جلال‌الدین اکبر شاه (۲)، به فرش‌هایی اشاره دارد که به تازگی از جوشقان، خوزستان، کرمان و سبزوار به هندوستان وارد شده بود (یارشاطر، ۱۳۸۴، ۷۶ و ۷۷). علامی می‌نویسد که اکبر شاه امپراتور هند، باعث شد که در هند انواع مختلف قالی خوش‌بافت و عالی تولید شود و کارگران و صنعتگران با تجربه استخدام کرد که شاهکارهای بسیار به‌وجود آوردند. بنا به گفته وی در کتاب "آیین اکبری"، در این زمان قالی‌های ایران و توران دیگر مورد توجه نیست، ولی بازرگانان هنوز از جوشقان، خوزستان، کرمان و

سبزوار قالی وارد می‌کنند. قالی‌بافان هندی که در کارگاه‌های متعلق به اکبرشاه و جهانگیر شاه (۱۰۱۴-۱۰۳۷ ه.ق/ ۱۶۰۵-۱۶۲۷م) و تحت هدایت ایرانیان کار می‌کردند؛ از قالی‌های با نقش گلدار ایران تقلید می‌نمودند (دیماند، ۱۳۶۵، ۲۷۳). محبوبیت فرش‌های ایرانی باعث شد تا حتی بعد از ایجاد کارگاه‌های شاهی در هند، واردات فرش از ایران ادامه یابد (یارشاطر، ۱۳۸۴، ۷۷). به طور کلی قالی‌های کرمانی، در کاخ‌های سلاطین و امرای دربار هندوستان، به عنوان فرش‌های نفیس به کار می‌رفته است. برای نمونه در این زمینه، در کتاب قطب شاهیان گلکنده (۳) می‌خوانیم: «...پس سطح آن قصرها را قریب دویست جفت قالی زربفت و ابریشمین و پشمین جوشقانی و کرمانی، بیست و سی گزی (متری) فرش نموده...» (گلاب زاده، ۱۳۸۱، ۱۴). کامفر در سال ۱۰۹۵ ه.ق/ ۱۶۸۴م. فرش‌های پشمی ظریف و مرغوب کرمان با طرح حیوانات را در قصر شاهی مشاهده کرده است. طبق نوشته‌های پدر کروسینسکی که در فاصله سال‌های ۴۲-۵۱۱۱۶ ه.ق/ ۳۰-۱۷۰۴م. در ایران اقامت داشته، در کرمان کارگاه‌های فرش بافی شاهی دایر بوده است (یارشاطر، ۱۳۸۴، ۱۴). در کتاب تاریخ عالم آرای عباسی که به وسیله اسکندر بیگ، منشی دربار شاه عباس اول نگاشته شده از قالی کرمان به خوبی یاد شده است. ژان شاردن که دو بار یعنی سال‌های ۱۰۷۷ و ۱۰۸۳ ه.ق/ ۱۶۶۶ و ۱۶۷۲ میلادی ایران را اقامتگاه خود قرار داده، نیز قالی‌های شناخته شده‌ای را که به عنوان ترکی وارد بازارهای اروپا می‌شود را در کل، کرمانی و سیستانی می‌داند. وی هیچ‌گاه به کرمان و سیستان مسافرت نکرد ولی نظریه او هم‌چنان پابرجاست (فریه، ۱۳۷۴، ۱۲۷). این مستندات بر رواج قالی‌بافی در کرمان عصر صفویه گواهی می‌دهند (آذریاد، ۱۳۷۲، ۱۵ و ۲۷۳). در کتاب "کرمان از مشروطیت تا سقوط قاجار" درباره‌ی صنایع شالبافی و قالی‌بافی و نیز جایگاه دست‌اندرکاران تهیه آن چنین آمده: «کارخانه‌های شالبافی در کرمان و دهات آن در تمام دوره‌ی صفویه و بعد از آن دایر بوده است و شالبافان یک طبقه اجتماعی مهم را تشکیل می‌دادند و در اصل طبقات بازاری ثروتمند کرمان بیشتر تجار شال و قالی بوده‌اند. البته طبقه عامه و اکثریت مردم شهر نیز گروه عظیم بافنده یعنی شالباف و قالیباف‌ها بودند» (نجم‌الدینی، ۱۳۸۵، ۶۷). از دوره‌ی حکومت گنجعلیخان بر کرمان (۱۰۰۵-۱۰۳۴ ه.ق/ ۱۵۹۷-۱۶۲۵م)، سندی از یک کارگاه قالی‌بافی باقی مانده که گواه بر رونق قالی‌بافی در این دوران است (۴). در سندی دیگر از همین زمان نیز اشاره‌ای صریح به بافت قالی‌هایی برای آستان قدس رضوی در کرمان شده است (۵) (باستانی پاریزی، ۱۳۶۸، ۱۲۶-۱۲۹-۳۱۷-۳۱۴).

این دوره‌ی شکوفایی برای قالی کرمان، کوتاه بود. شورش افغان‌ها و انقراض سلسله‌ی صفویه هرج و مرجی به دنبال داشت که اقتصاد ایران و در نتیجه صنعت قالی‌بافی آن را از هم پاشید و سرمایه و امنیت کار و رفاه عمومی برای تشویق قالی‌بافان از میان رفت (آذریاد، ۱۳۷۲، ۱۷).

نقوش قالی کرمان در دوره‌ی صفویه

از دوره فرمانروایی صفویان، حجم عظیمی از فرش‌های پرزدار باقی مانده است، اما تعیین تاریخ و انتساب آنها به مراکز بافت خاص،

بی‌احتیاطی و توأم با اشکالاتی است. به استثنای پنج مورد از فرش‌های صفویه که تاریخ و نام هنرمند بر آنها درج گردیده، در بیشتر نمونه‌های باقی‌مانده از این دوره، نشانی از زمان، محل بافت و بافنده دیده نمی‌شود. توجه به نکته‌هایی در زمینه رنگ، نقش و بافت می‌تواند شناختی از ارزش‌های کمی و کیفی فرش به دست بدهد و حتی برای شناخت نسبی هویت فرش نیز کم و بیش راهگشا باشد. اما یقین به هویتی دقیق، کاری بس دشوار و گاه غیر ممکن است (آزریاد، ۱۳۷۲، ۱۶).

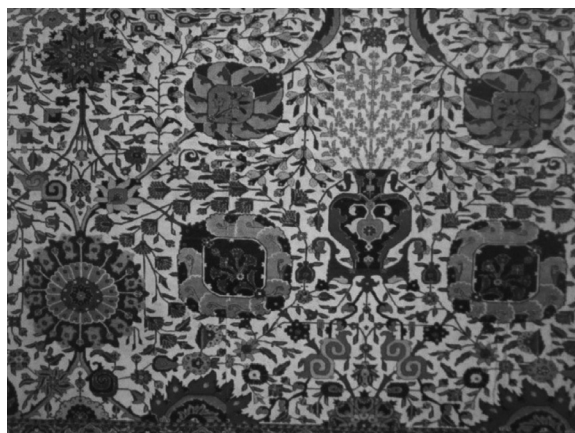
از لابه‌لای متون و گزارش سفرنامه‌ها می‌توان مراکز مهم بافت فرش در دوره صفوی را شناخت (یارشاطر، ۱۳۸۴، ۱۱)، ولی اینکه بتوان به طور قطع فرش‌هایی خاص را به مکانی معین منسوب نمود، شاید ناممکن و حتی مخاطره‌آمیزتر از تاریخ‌یابی آن باشد. قالی‌هایی مربوط به این دوره در موزه‌های جهان وجود دارند که به دلیل نامشخص بودن محل بافت، به سبب داشتن طرح‌های گوناگون به مراکز مختلف قالی‌بافی نسبت داده شده‌اند. این در حالی است که برخی از آنها دارای ساختاری مشترک بوده و به نظر می‌رسد متعلق به منطقه‌ای واحد باشند. این موضوع در نمایشگاهی با عنوان «قالی‌های مرکزی ایران» در بیرمنگام انگلیس به سال ۱۹۷۶م. توسط دکتر می‌بیتی (۶) نیز مطرح شد. در آن نمایشگاه، خاستگاه شمار زیادی از قالی و پاره قالی‌هایی با سبک بافت مشابه، یک منطقه‌ی واحد ذکر شد و مورد بررسی قرار گرفت (فریه، ۱۳۷۴، ۱۲۵). آقای فریه (۷) معتقد است بسیاری از قالی‌های سه پاره که دارای سبک بافت و نقوش مشابه با قالی کرمان هستند؛ در این منطقه بافته شده‌اند. آرتور پوپ (۸) در کتاب سیری در هنر ایران، بافت قالی‌های بیشتری را به کرمان نسبت می‌دهد. وی هم‌چنین به این مسأله اشاره دارد که شباهت بین طرح فرش‌ها و تزیینات معماری در تعیین تاریخ و محل بافت آنها می‌تواند کارساز باشد (یارشاطر، ۱۳۸۴، ۱۰). فردریک اسپلر (۹) با صراحت تمام اعلام می‌دارد که فرضیات درباره خاستگاه فرش‌های صفوی که طی سال‌ها اعتباری کسب کرده، صرفاً نظری است. ا. گانز رودین (۱۰) نیز می‌پذیرد که: «مروزه منابع نوشتاری بسیار اندکی در اختیار ما است تا با آن بتوان در مورد فرش‌های موجود به روشنگری پرداخت و به این دلیل شیوه انتساب یک فرش به مرکز تولید خاصی که بیش از نیم قرن است توسط اهل فن به کار گرفته می‌شود (با چند استثنا) چندان قابل اعتماد نمی‌باشد» (همان، ۱۳۸۴، ۱۱). به طور مثال شهرهای کاشان، یزد، کرمان و قزوین محل بافت فرش‌های سانگوشکو در اواخر سده دهم یا اوایل سده یازدهم ه.ق/ ف.م. معرفی شده‌اند. بنابراین، طبقه‌بندی زمانی و مکانی فرش‌های صفوی نیاز به بررسی مجدد و دقیق دارد. بررسی‌های اخیر تأکید بیشتری بر جنبه ساختاری و همچنین صور گوناگون طرح و نقشه‌هایی که به مناطق مختلف نسبت داده شده، دارد (۱۱). توجه بیشتر به منابع اولیه، شاید بتواند شناخت روشن‌تری از زمینه تاریخی بافت فرش در اختیار بگذارد (یارشاطر، ۱۳۸۴، ۴۱ و ۸۲). به طور کلی طرح‌های قالی صفوی شامل: طرح‌های شاه عباسی، اسلیمی، افشان، بندی، درختی، بته‌ای، قابقابی، لچک ترنج، کتیبه‌دار، محرابی، باغی (چهارباغ)، شکارگاهی، هراتی و گلدانی هستند. از لحاظ ساختار متن، قالب و شکل طرح‌ها بیشتر قالی‌های این دوره لچک

ترنج، محرابی، سراسری، قاب قابی، واگیره و افشان هستند. بنا به نوشته شاردن، می‌دانیم که «به دستور شاه عباس هر کانون بافندگی می‌بایست فرش را به شیوه‌ی خود ببافد»، بنابراین انتظار می‌رود فرش‌هایی که در این دوره در کرمان بافته شده، دارای ویژگی بافته‌های این منطقه باشند.

کرمان برای ۵۰ سال یا بیشتر انتخاب اصلی محققان به عنوان محل تولید فرش‌های صفویه بود. همانطور که بسیاری از نویسندگان به آن اشاره کرده‌اند، فرش‌های بافت کرمان در سده‌های ۱۲ و ۱۳ ه.ق/ ۱۸ و ۱۹ م، ساختاری مشابه با نمونه‌های دوره صفویه که به این شهر نسبت داده شده؛ دارد. از سوی دیگر، هیچ مدرک مستدلی برای نفی این نظریه که کرمان محل تولید این فرش‌های نفیس بوده؛ وجود ندارد (Bennett, 2000, 64-65).

به طور کلی قالی‌های منسوب به کرمان در دوران صفویه؛ شامل نقوش گردان و شاخه شکسته هستند. خرده نقوش‌های این فرش‌ها شامل نقوش گیاهی، جانوری، انسانی و نوشتاری است. پژوهشگران از میان فرش‌های متنوع و طرح‌های گوناگون دوره صفویه، بافت فرش‌های سانگوشکو، باغی، گلدانی، موج دریا و درختی را به کرمان نسبت می‌دهند. این فرش‌ها در دوره حکمرانی شاه عباس اول بافته شده‌اند و شاید قدمت آنها به اواخر سده دهم ه.ق/ شانزدهم م. نیز برسد (یارشاطر، ۱۳۸۴، ۸۷).

۱ - فرش گلدانی: ویژگی اصلی این طرح وجود یک یا چند گلدان در اندازه‌های مختلف است که تمام متن فرش را می‌پوشاند. اما اغلب طرح‌های گلدانی دارای گلدانی بزرگ در یک طرف فرش هستند که شاخه‌های گل‌های آن تمام متن فرش را می‌پوشاند. طرح این گونه فرش‌ها به صورت دو یا سه شبکه با هم تلفیق شده یا مجموعه‌ای از چهارخانه‌های شطرنجی است که بر آنها گل‌های شکوفان نقش شده است (یارشاطر، ۱۳۸۴، ۸۶). متن مشبک و توری مانند قالی، با گلدان‌های پر از گل تزیین شده است. این طرح غالباً یکسویه است (تصویر ۱). بنا به نظر پژوهشگران، محل بافت فرش گلدانی، کرمان است. قدیمی‌ترین فرش‌های گلدانی احتمالاً در نیمه دوم قرن ۱۰ ه.ق/ ۱۶ م. یعنی در اثنای سال‌های اولیه سلطنت شاه عباس اول بافته شده‌اند (Bennett, 2000, 62, 58). شباهت فرش‌های گلدانی با قالی امروزی کرمان، هم در نقش و هم روش



تصویر ۱: فرش گلدانی افشان شاه عباسی، کرمان، اواخر سده دهم یا نیمه اول سده یازدهم ه.ق، موزه هنرهای دستی وین. منبع: Volker, 2001, 271.



تصویر ۳: فرش سانگوشکو، سده ۱۱ ه.ق. موزه متروپولیتن.
منبع: www.metmuseum.org

فرش سانگوشکو را تولید کرمان اعلام می‌دارند، Bennett, 2000, 60-62. اردمان از جمله کسانی است که معتقد بود مکان بافت فرش سانگوشکو، کاشان بوده و پوپ با اطمینان، فرش‌های سانگوشکویی که دارای نقش حیوانات و پیکره‌های انسانی هستند را به کرمان نسبت می‌داد (تصویر ۴). وی یک سند تاریخی را پشتوانه نظر خود قرار داد. این سند تاریخی، نقل قولی از کامفر است که در سال ۱۰۹۵ ه.ق /



منبع: آذربایک، ۱۳۷۲، ۶۱.
تصویر ۴: فرش سانگوشکو (مجلس آواز پارس) کرمان اوایل سده ۱۱ ه.ق.
موزه هنرهای تزئینی پاریس.

۱۶۸۴ م. از اصفهان دیدن کرد. وی می‌گوید که فرش‌های پشمی با طرح‌های حیوانی را در سرسرای کاخی دیده که در کرمان بافته شده بودند Bennett, 2000, 66.

۳- فرش باغی یا گلستان یا چهارباغ: به طور معمول نقشه‌ای است

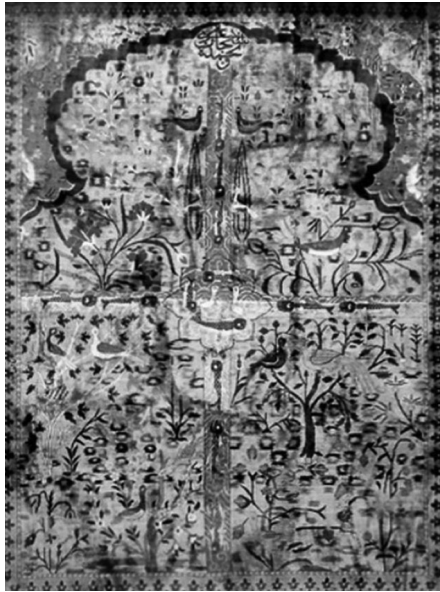


تصویر ۲: فرش گلدانی افشان شاه عباسی، کرمان، سده دوازدهم ه.ق. موزه لوگانو سوییس. منبع: آذربایک، ۱۳۷۲، ۶۲.

بافت است. از ویژگی‌های مشترک بین انواع گوناگون قالی معاصر کرمان حضور همیشگی گل، سبزه، شکوفه و درخت بر سطح آن است. گل‌های رنگارنگ و درختان سرسبز بالاترین بسامد را در طراحی فرش کرمان دارند. رنگ آمیزی غنی و طرح‌های متنوع و بدیع فرش‌های گلدانی مشابه نمونه‌های امروزی کرمان است. در فرش‌های گلدانی، تار پنبه‌ای و پود از جنس پشم، ابریشم یا پنبه می‌باشد و پرزها پشمی است. بعد از هر ردیف گره زنی، سه رشته پود از لابه لای تارها می‌گذرد. طرح این فرش‌ها شامل طرح‌های سبزیکار، گل‌های درشت شاه عباسی شبکه‌ای، طرح‌های اسلیمی، برگ‌های داس مانند، بوته‌های شکوفان و حیوانات دوان در میان درختان و گیاهان پرگل (تصویر ۲)، می‌باشد (یارشاطر، ۱۳۸۴، ۸۶). به نظر اردمان (۱۲) و الیس (۱۳)، کرمان خاستگاه طرح‌های مشبک ساده بوده و زمان بافت آنها نیمه دوم قرن ۱۱ ه.ق / ۱۷ م. می‌باشد Bennett, 2000, 66. ولی آرتور پوپ، جوشقان را منشأ تولید طرح گلدانی می‌داند (نصیری، ۱۳۷۴، ۲۸).

۲- فرش سانگوشکو: این نوع فرش با پیکره‌های انسانی و حیوانی که بسیار شبیه به نگاره‌های نسخ خطی این دوره هستند؛ تزئین شده است. بر این فرش، طرح‌های ترنجی شکل به همراه نقش‌های گل و بوته و گرفت‌وگیر به صورت متقارن بافته شده تا فضای زمینه را پر کند (تصویر ۳). از نظر شیوه بافت و مواد اولیه این نوع فرش همانند فرش‌های گلدانی است و در هر دو تارهای نخ پنبه و پودهای پشم یا ابریشم به کار رفته است (یارشاطر، ۱۳۸۴، ۸۱-۸۲).

کاشان، کرمان، اصفهان و جوشقان چهار رقیب برای احراز مقام بافندگی فرش سانگوشکو هستند Bennett, 2000, 48. برخی فرش سانگوشکو را محصول کاشان یا کرمان می‌دانند و برخی با قاطعیت



تصویر ۶: فرش باغی محرابی، با امضای محمد امین کرمانی ۱۰۶۱ ه.ق، موزه آستان قدس رضوی.

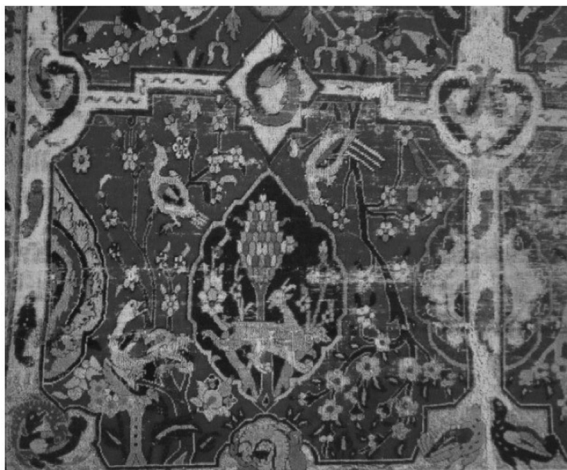
می‌تواند شاهی بر این مدعا باشد (تصویر ۶). این نوع فرش در روش بافت، مشابه فرش‌های گلدانی بوده و در ساختار زمینه با گروه فرش‌های سانگوشکو شباهت دارد. برخی از انواع فرش‌های باغی را می‌توان به فرش‌های سانگوشکو (با طرح حیوانات) مرتبط دانست (تصویر ۷). اردمان بافت فرش باغی جیپور هند را نیز به

که حوضی در میان طرح قرار دارد و اطراف آن به وسیله جوی‌های آب به مربع‌هایی تقسیم شده است. این بخش‌ها، باغچه‌هایی هستند که با گل و گیاه و درخت تزئین شده‌اند. این طرح در زمان صفویه و در تعامل معماری با هنرهای دیگر، رونق گرفت. در این طرح، از دو محور باغ، محور اصلی بلندتر از محور دیگر یعنی محور فرعی است. این محورها نشانه جوی آب است که در برخورد با هم زمینه را چهار بخش می‌کند. این همان طرح ایرانی است که اساس هندسی طرح‌ریزی باغ‌های ایرانی شده است (تصویر ۵). این نقشه



تصویر ۵: فرش باغی، کرمان اواخر قرن ۱۰ یا نیمه نخست سده ۱۱ ه.ق، موزه هنرهای دستی وین. منبع: Volker, 2001, 265.

از اندیشه‌های کهن آسیا سرچشمه می‌گیرد که بر اساس آن عالم وجود به چهار بخش تقسیم شده است و چهار رودخانه‌ی بزرگ آن را از هم جدا می‌کند. بهشت نیز از روزگار باستان در نظر ایرانیان باغی است پرگل و سبزه که البته می‌توان در اندیشه و علاقه به باغ و درخت‌کاری سرزمینی را دید که بخش بزرگی از آن خشک و بی‌آب و علف است. آرایش باغ به صورت ایجاد تپه‌ای از گل به شکل و رنگ‌های گوناگون با حاشیه‌هایی از بوته‌هایی کوچک نشانی از تأثیر باغ و قالی از یکدیگر است (آذرباد، ۱۳۷۲، ۱۰۰). پژوهشگران تاریخ بافت فرش‌های باغی را سده‌های ۱۱ و ۱۲ ه.ق/ ۱۸ و ۱۷ م. و اصل آن را از کرمان می‌دانند (نصیری، ۱۳۷۴، ۳۱). در واقع، محققان امروزی در انتساب فرش‌های باغی به کرمان، دنباله‌رو نظریه‌ای هستند که ابتدا توسط مارتین پایه‌گذاری شد. یک قالی سجاده‌ای با این نوع طرح و با امضای محمد امین کرمانی به تاریخ ۱۰۶۱ ه.ق/ ۱۶۵۱ م. در موزه آستان قدس قرار دارد که



تصویر ۷: جزئیات تصویر ۵.

کرمان نسبت می‌دهد. وی معتقد است که به علت ساختار، رنگ آمیزی و طرح و به ویژه نوع حاشیه‌ها می‌توان این فرش را مشابه گروه فرش‌های گلدانی کرمان دانست. وی علاوه بر دلایل فنی، به گفته ابوالفضل علامی نیز استناد کرده که از صادرات فرش کرمان به هند سخن گفته است (Bennett, 2000, 72-76).

۴ - فرش درختی: طرحی است که در آن نگاره‌های شاه عباسی، ترنج‌ها، انبوه شاخه و برگ‌های درهم درختان و جانوران و پرندگان به چشم می‌خورد. نقش درخت را به انواع و اندازه‌های مختلف و گاه به عنوان نقش اصلی یا فرعی؛ می‌توان در متن یا

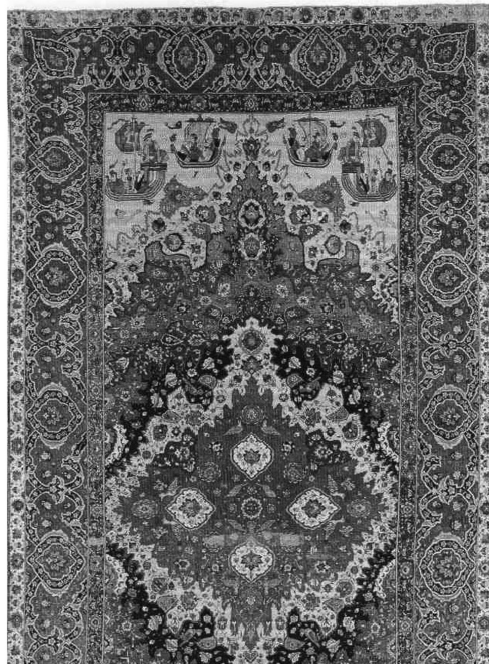
حاشیه این نوع قالی ملاحظه کرد (تصویر ۸). دیمانند بافت فرش‌های



تصویر ۸: فرش درختی، کرمان، سده ۱۱ ه.ق. منبع: Bennett, 2000, 78

درختی را به کرمان نسبت داده می‌داد ولی در عین حال معتقد بود که حاشیه‌های برخی از آنها به بافته‌های تبریز شباهت دارد (تصویر ۹).

۵ - فرش موج دریا یا پرتغالی: طرح و نقشه این نوع قالی متمایز از سایر فرش‌های ایرانی است. در قسمت‌های بالا و پایین ترنج بسیار بزرگ و متداخل آن، در درون لچک‌ها تصویر کشتی و دریانوردانی بافته شده است (تصویر ۱۰). تولید این نوع فرش نیز به بافندگان کرمانی نسبت داده شده است (نصیری، ۱۳۷۴، ۲۴).



تصویر ۱۰: فرش موج دریا، قرن ۱۱ ه.ق. کرمان، موزه هنرهای دستی وین. منبع: Volker, 2001, 245.

نتیجه‌گیری

بیان تاریخچه قالی در دوره صفویه بر اساس اسناد و شواهد تاریخی، ما را در فهم این موضوع که در این زمان قالی‌بافی در کرمان رونق داشته؛ یاری می‌رساند. معرفی نقوش قالی‌های کرمان در زمان صفویان از این جهت اهمیت دارد که سبب شناخت بیشتر دست اندرکاران دوره معاصر و زنده سازی نقوش از یاد رفته، می‌شود. بر اساس پژوهش به عمل آمده در این دوره تاریخی، رنگ‌ها و نقوش ویژه و نیز دیگر بدعت‌های خاص، پایه گذاری شده است. تأثیرات سایر

هنرها به سبب مشترک بودن هنرمندان و همچنین شرایط اقتصادی و اجتماعی و سیاسی، بر بافته‌های این دوره قابل تشخیص است. به نظر می‌رسد از میان فرش‌های متنوع و طرح‌های گوناگون دوره صفویه، بافت برخی انواع فرش‌های سانگوشکو، باغی، گلدانی، درختی و موج دریا؛ بافت کرمان باشند. شباهت در نقش، رنگ، مواد اولیه و روش بافت فرش‌های کرمان در سده‌های ۱۰ و ۱۱ ه.ق با فرش‌های دوره‌های بعد، راهگشای اثبات این نظریه است.

* این مقاله برگرفته از پایان نامه کارشناسی ارشد در دانشگاه



تصویر ۹: فرش درختی، کرمان، سده ۱۱ ه.ق. مجموعه کورکیان. دیمانند حاشیه این فرش درختی را،

مشابه نمونه‌های تبریز می‌دانست. منبع: Bennett, 2000, 78

فرش‌های درختی به بافته‌هایی با طرح ترنج‌دار و حیوانی ارتباط می‌یابند که از قرن ۱۰ ه.ق/ ۱۶ م. بافت آنها رواج داشته است. بنا بر گفته صاحب‌نظران نیز، فرش‌های ترنج‌دار صفوی محصول کاشان یا کرمان هستند. از سوی دیگر، از نظر ساختاری، یک گروه از فرش‌های درختی به فرش‌های گلدانی بافت کرمان نیز ارتباط می‌یابند (Bennett, 2000, 76 50, 78). انواع گوناگون طرح درختی (جانوری، سبزیکار، آب‌نما، ترنج‌دار، سروی، لچک ترنج) در کرمان بافته شده و از جمله طرح‌های رایج در این دیار است.

سوره با عنوان " طبقه بندی زمانی و تحلیل نقوش قالی کرمان " با راهنمایی خانم هانیه نیکخواه به عنوان استاد راهنما و آقای دکتر مهراں هوشیار به عنوان استاد مشاور است.

پی نوشتها:

۱ - فلورنسیو دل نینو جیسوس Florencio del Nino Jesus, شاردن Jean Chardin, کروسینسکی Tadeusz Krusinski, تاورنیه Tavernier, کامفر Engelber Kaempfer, شرلی Robert Sherley از جمله مشهورترین این جهانگردان و سفرنامه نویسان هستند.

۲ - پادشاه هندوستان از سلسله‌ی تیموریان هند و معاصر شاه عباس اول (۹۶۳-۱۰۱۴ ه.ق/ ۱۵۵۶-۱۶۰۵ م).

۳ - قطب شاهیان از ۹۰۱-۱۰۹۸ ه.ق/ ۱۴۹۶-۱۶۸۷ م بر شرق دکن مرکزی حکومت کردند.

۴ - این سند به شرح زیر است: «قالیاف‌خانه انتقال دولت ما بین خواجه عبدالعلی و خواجه عبدالکریم ابنا جناب المرحوم المبرور استاد شاه محمد قالی‌باف کرمانی به تاریخ شهر محرم الحرام سنه ست و الف (۱۰۰۶ ه.ق/ ۱۵۹۷ م) به ثمن مبلغ بیست هزار دینار تبریزی بالتمام.» (باستانی پاریزی، ۱۳۶۸، ۱۲۶-۱۲۹).

۵ - «بعد از آن از تتمه در کرمان قالی تمام کرده از برای فرش آستانه‌ی مقدسه در هر سه سال یکدفعه قالی خوبی که مناسب آستانه مقدسه باشد تمام کرده از برای فرش روضه‌ی مقدسه در هر سه سال یکدفعه قالی را بفرستد که تحویل صاحب جمع فراشخانه نماید» (باستانی پاریزی، ۱۳۶۸، ۳۱۷-۳۱۴).

6- May. H. Beattie

7- R.W. Ferrier

8- A. upham pope

9- Friedrich Spuhler

10- E. Gans Ruedin

۱۱ - به همین دلیل است که در برخی موزه‌ها و یا کتاب‌های تخصصی فرش، مکان تولید بعضی آثار را با علامت سؤال و شک‌برانگیز نشان می‌دهند. گاهی نیز مکان بافت یک فرش در کتاب‌های مختلف، شهرهای گوناگون اعلام می‌گردد.

12- Erdmann

13- Ellis

منابع

۱ - آذریاد، حسن. فضل الله حشمتی رضوی، فرشنامه ایران، تهران: موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۷۲.

۲ - باستانی پاریزی، محمد ابراهیم، گنجعلیخان، تهران: اساطیر، ۱۳۶۸.

۳ - باسورث، کلیفورد ادموند، سلسله‌های اسلامی جدید، ترجمه فریدون بدره‌ای، مرکز باز شناسی اسلام و ایران، تهران، ۱۳۸۱.

۴ - دانشگر، احمد، فرهنگ جامع فرش (یادواره دانشنامه ایران)، تهران: سازمان چاپ و انتشارات یادواره اسدی، ۱۳۷۶.

۵ - دیمانند، س.م، راهنمای صنایع اسلامی، ترجمه عبدالله فریار، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۵.

۶ - ژوله، تورج، پژوهشی در فرش ایران، تهران: یساولی، ۱۳۸۱.

۷ - فریه، ردلیو، درباره‌ی هنرهای ایران، ترجمه پرویز مرزبان، تهران: فرزانه، ۱۳۷۴.

۸ - گلاب زاده، سید محمد علی، کرمان در گذر تاریخ (به انضمام یادها و خاطره‌ها)، کرمان: مرکز کرمانشناسی، ۱۳۸۲.

۹ - نجم‌الدینی، غلامعباس، کرمان از مشروطیت تا سقوط قاجار، قم: انتشارات حسینیه، ۱۳۸۵.

۱۰ - نصیری، محمد جواد، فرش ایران، تهران: انتشارات پرتگ، ۱۳۸۲.

۱۱ - نصیری، محمد جواد، سیری در هنر قالی‌بافی ایران، ناشر مؤلف، تهران، ۱۳۷۴.

۱۲ - یارشاطر، احسان، تاریخ و هنر فرش بافی در ایران، ترجمه ر. لعلی خمسه، انتشارات نیلوفر، تهران، ۱۳۸۴.

13- Bennett, Ian, *Rugs & carpets of the world*, Quantum books Ltd, London, 2000.

14- Volker, Angela, *Die orientalischen knupfteppiche im MAK*, MAK museum, Wien, 2001.